





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی ، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد « M.A »

گرایش : تاریخ اسلام

عنوان :

تشیع و تسنن در بغداد در قرون ۴ و ۵ ه. ق

استاد راهنما :

دکتر محمدنبی سلیم

استاد مشاور :

دکتر احمد اشرفی

نگارش

تقدیم به :

همسر بردبارم که عمرش مستدام باد

و

فرزندان عزیزم که روزگارشان خوش باد

آنها که در طی دوره تحصیل نهایت فداکاری و صبوری را نمودند

و با تحمل سختی‌های فراوان ، همواره در کنارم و مشتوق راهم بودند.

سپاسگذاری

نخست

شکر گذارم به درگاه قادر مطلق ، پروردگاری که توفیق انجام این پژوهش را عنایت فرمود

و دیگر از باب عمل به فرمایش " مَنْ لَمْ يَشْكُرْ الْمَخْلُوقَ ، لَمْ يَشْكُرْ الْخَالِقَ "

سزاوار است تا

از استاد راهنما و محقق توانا جناب آقای دکتر محمدنبی سلیم ، به عنوان استاد راهنمای خود که با دقت نظر و راهنمایی های سودمند و کارگشا همراهی ام نمودند ؛

و از استاد فرهیخته و گرانقدر مشاور ، جناب آقای دکتر احمد اشرفی ، که نگارنده را در انتخاب منابع و نحوه نگارش این تحقیق راهنمایی و مساعدت فرمودند ؛

تقدیر و تشکر فراوان داشته باشم و تأییدات الهی را برای آنها از درگاه یزدان مسئلت نمایم .

و بر خود فرض می دانم تا از

دیگر استادان دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود و نیز خانواده بردبارم که در طول پیمایش مسیر تحقیق یاری ام نمودند،

قدردانی و تشکر کنم و توفیقشان را از خدا خواستار شوم.

چکیده

چندی از ظهور دین اسلام نگذشته بود که این آئین آسمانی دچار انشعاب شد و به فرق گوناگون تبدیل گردید که مهمترین نمودش را باید در رویارویی دو مذهب تشیع و تسنن دید. تثبیت سیطره سیاسی اهل سنت در پی تاسیس خلافت عباسی، باعث گردید تا فرق مخالف و به ویژه تشیع، مترصد فرصتی برای به چالش کشیدن اقتدار سیاسی و معنوی خلیفگان سنی باشد. استقرار مقرر خلافت در شهر ایرانی بغداد به سال ۱۳۵ هـ. ق، این فرصت را به شیعیان داد و با تجمیع اقوام و فرق گوناگون در پایتخت اسلام، تعامل و تقابل شیعه و سنی به حوزه گفتمان و چالش بین مذهب فقهی و نحله های کلامی و تضارب افکار و اندیشه ها کشیده شد. بغداد به عنوان ام القری جهان اسلام، در تسریع روند زایش و توسعه فرق متعدد نقش ایفاء کرد و در سده چهارم با تسلط آل بویه شیعی مذهب بر این شهر، زمینه رویارویی تشیع و تسنن را به دست داد.

هدف این پژوهش، نقد و بررسی روند تعامل و تقابل دو مذهب عمده اسلامی یعنی تشیع و تسنن و پیروان آن در حوضه جغرافیائی بغداد طی سده های چهارم و پنجم هجری قمری است که ضمن آن روند تحولات مهم تاریخ این سده ها و اختلاف نظرهای شیعه و سنی مورد تامل قرار می گیرد. در حقیقت، آرمان پژوهش حاضر، تولید علم و ارائه فرضیات علمی و مستند، اما بی طرفانه است که با استفاده از شیوه تحقیقات نظری و مطالعات کتابخانه ائی شکل گرفته است.

نتیجه تحقیق نشان می دهد که گرچه در سده چهارم به دلیل تضعیف خلافت سنی و سلطه بونیان شیعی، تشیع در موضع برتر قرار داشت، اما با ورود سلاجقه سنی مسلک و احیای مجدد اقتدار معنوی و سیاسی خلیفه، کفه قدرت به سود اهل سنت فزونی یافت. مواجهه شیعه و سنی که علیرغم برخوردهای پیروانشان در محلات بغداد، می توانست در روند تفاهم و همگرایی کارساز باشد، به تقیه گرایی شیعیان و تحکیم فقه سنیان منجر گردید.

کلید واژگان: شیعه، سنی، بغداد، قرون ۴ و ۵ قمری، تقابل و تعامل، فرقه ها.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

چکیده	۱
فصل اول : کلیات تحقیق	۸-۲
۱-۱ بیان مسئله	۲
۲-۱ اهداف پژوهش	۳
۳-۱ سوالات تحقیق	۳
۴-۱ فرضیات تحقیق	۴
۵-۱ پیشنهادیه پژوهش	۵
۶-۱ روش تحقیق	۵
۷-۱ موانع تحقیق	۵
۸-۱ بیکره بندی پژوهش	۶
۹-۱ معرفی و نقد منابع	۷
فصل دوم : تاریخ اسلام در سده های ۴ و ۵ ق	۵۳-۹
۱-۲ امویان از فراز تا فرود	۹
۱-۱-۲ در گذار از جاهلیت تا اسلام	۱۰
۲-۱-۲ دوران اقتدار	۱۵
۳-۱-۲ در سرانجام سقوط	۱۷
۲-۲ برآمدن بنی عباس	۱۹
۱-۲-۲ از سفاح تا مامون	۲۳
۲-۲-۲ جمع بندی	۳۰
۳-۲-۲ دوره دوم عباسی	۳۱
۴-۲-۲ از مقتدر تا مستظهر	۳۲
۵-۲-۲ جمع بندی	۴۲

۴۲ ۳-۲ امیرنشینهای محلی عراق
۴۲ ۱-۳-۲ آل بویه
۴۳ ۱-۱-۳-۲ اوج گیری قدرت بوئیان
۴۴ ۲-۱-۳-۲ مناسبات آل بویه با همسایگان
۴۶ ۳-۱-۳-۲ روابط با خلافت
۵۰ ۲-۳-۲ حمدانیان
۵۲ ۳-۳-۲ جمع بندی
۷۵-۵۳ فصل سوم : تشیع و تسنن و فرق آن
۵۳ ۱-۳ تشیع
۵۳ ۱-۱-۳ مفهوم و زمان ظهور
۵۶ ۲-۱-۳ ریشه های ظهور
۵۷ ۳-۱-۳ علل پیدایش نخستین فرق شیعی
۶۰ ۴-۱-۳ فرقه های شیعه
۶۱ ۱-۴-۱-۳ کیسانیه
۶۲ ۲-۴-۱-۳ زیدیه
۶۳ ۳-۴-۱-۳ اسماعیلیه
۶۴ ۴-۴-۱-۳ غلات
۶۷ ۵-۴-۱-۳ امامیه
۶۹ ۲-۳ تسنن
۷۰ ۱-۲-۳ مفهوم و ریشه
۷۲ ۲-۲-۳ فرق اربعه
۷۳ ۳-۲-۳ معتزله و اشاعره
۱۰۴-۷۶ فصل چهارم : مناسبات تشیع و تسنن در بغداد
۷۶ ۱-۴ بغداد
۷۷ ۱-۱-۴ تاریخ بغداد
۷۸ ۲-۱-۴ محلات بغداد
۸۰ ۳-۱-۴ فرق دینی در بغداد

۲-۴ علل منازعات شیعه و

سنی ۸۲

۱-۲-۴ تاثیر سیاست مذهبی خلفا

..... ۸۲

۲-۲-۴ تاثیر سیاست کارگزاران

..... ۸۷

۳-۲-۴ تاثیر حکومت‌های محلی.....

..... ۹۰

۴-۲-۴ تاثیر علمای

دینی..... ۹۳

۵-۲-۴ جمع بندی

..... ۹۵

۳-۴ تعاملات شیعه و

سنی..... ۹۶

۱-۳-۴ در رابطه با

..... معتزله

..... ۹۷

۲-۳-۴ در رابطه با

اشاعره..... ۹۸

۴-۳-۴ جمع بندی

..... ۱۰۱

فهرست منابع و مأخذ

..... ۱۰۳

چکیده انگلیسی..... ۱۱۰

عنوان انگلیسی

۱۱۱.....

کلیات تحقیق

۱-۱ بیان مسئله

اگر به وقایع سده های نخستین تاریخ اسلام نگاهی عمیق تر صورت پذیرد ، مشخص خواهد شد که مشحون از حوادث تلخ و شیرینی است که اندیشه هر مسلمان را به تکاپو می اندازد و او را به یافتن ریشه این حوادث رهنمون می گرداند. حائز اهمیت است که اولین شکاف و انشقاق در تاریخ اسلام بعد از رحلت رسول اکرم (ص) به وجود آمد و کسانی که تا قبل از مرگ پیامبر به عنوان صحابه و یار وی محسوب می شدند، در کوران حوادث غیرمتزقبه اوایل سده نخست هجری دچار تغییر و استحاله شدند و در پی خلق ماجرای سقیفه ، جدایی و فاصله گرفتن یاران و نزدیکان پیامبر از همدیگر رخ نمود. اوج این مسئله را می توان در واقعه کربلا مشاهده کرد که در کمتر از نیم قرن پس از مرگ پیامبر به وقع پیوست و پس از حادثه کربلا ، گروههای سیاسی و مذهبی مختلفی له یا علیه حکومت اسلامی به وجود آمدند و به دنبال آن ، مسلمین شاهد گسترش مباحث فقهی و کلامی تا حد مشاجرات فرقه ای و قومی هم بودند.

اما این تنش ها به لایه های پائین تر جامعه هم رسوخ کرد و باعث تنش و نزاع بین جمعیت ها و جماعات مختلف سیاسی و مذهبی آن دوران، به ویژه دو گروه اصلی جمعیتی و اعتقادی در جهان اسلام یعنی اهل تشیع و اهل سنت گردید . منازعاتی که هم جنبه مثبت داشت و هم منفی ، مثبت از این جهت که این نزاعها در بعضی از مواقع، باعث تضارب افکار و اندیشه ها و در نتیجه ، بارور شدن علوم فقهی و کلامی شد و از جنبه منفی، منجر به برخوردهای فیزیکی و چالشهای فرهنگی تاسف برانگیز و مرگبار بین مسلمانان گردید. ایجاد تنفر و شقاق بین دو گروه اصلی مسلمانان ، چنان ریشه دواند که تا روزگار حاضر نیز ، نمود این اختلاف قابل مشاهده است.

در دو قرن چهارم و پنجم هجری قمری در شهر بغداد، کانون مرکز سیاسی و فرهنگی جهان اسلام، مناسبات گروه های مختلف شیعه و سنی ، بیشتر حول محور نزاع و کینه جوئی بود تا تعامل و گفتمان . هرکدام از طرفین می کوشیدند تا در فرصت های به دست آمده ، قدرت را به دست گیرند و از حریف یا رقیب انتقام بستانند. از سوئی ، در این منازعات خصمانه ، حکومت ها و گروه های افراطی و عوامل محیطی دیگر نیز نقش داشتند و اگر تعامل و هم گرایی چندی هم گهگاه بین

دو جماعت مذهبی دیده می شد، جنبه موقتی داشته و تنها برای تحمل کردن دیگری بوده است تا پذیرفتن ضوابط زندگی مسالمت آمیز در یک جامعه امن و در کنار هم. طبعاً تاثیر این پارادوکس اجتماعی و فرهنگی نیز تا مدت‌ها گریبان‌زیست و باورهای آنها را گرفته بود.

۲-۱ اهداف پژوهش

اهمیت مطالعه بسترهای جغرافیایی رخدادها و تحولات تاریخ اسلام، امری است که بر اهل نظر پوشیده نیست. شهر بغداد به عنوان پایتخت جهان اسلام از قرن دوم هجری و مقارن با برآمدن خلافت شکوهمند عباسی، یکی از بسترهای مهم مطالعاتی در حوزه تحلیل تاریخ اسلام می باشد. به علاوه، مسئله مهم دیگری که می‌بایستی به آن اشاره کرد، ریشه‌یابی تنش موجود میان دو گروه تاثیرگذار بر جریان‌های سیاسی و مذهبی در جهان اسلام یعنی شیعه و سنی می باشد. امروزه که جهان اسلام شاهد برآمدن افراطیونی تحت لوای اهل سنت و ادعای انتقام ستیزی از افراط‌گری شیعه در گذشته می باشد، بررسی تاریخی روابط این دو گروه بازیگر در تاریخ فرق اسلامی، اهمتی را گوشزد می کند که صاحب‌نظران هم با آن موافقت.

لذا هدف تحقیق حاضر نقد و بررسی شرایط اجتماعی و فضای فرهنگی حاکم بر شهر بغداد در طی سده های چهارم و پنجم هجری و مناسبات و روابط شیعه و سنی در این سالها می باشد. فلذا، کوشش شده است با بررسی منصفانه منابع و مآخذ تاریخی به ارائه فرضیاتی هدفمند و اثبات آنها در رابطه با موضوع فوق موفق گردد.

۳-۱ پرسش های تحقیق

در خلال انجام کار و طی مراحل نخستین تحقیق، پرسش های متفاوتی در ذهن نگارنده نقش بست که ضرورت داشت برای سنجش و تبیین درستی و نادرستی آنها به تحقیق مبادرت ورزد. از جمله پرسش اصلی که:

۱- اختلاف شیعه و سنی در قرون چهارم و پنجم هجری در بغداد بر چه محورهایی استوار بوده است؟

و هم چنین چند پرسش فرعی یا جزئی تر این بود که:

۱- نقش خلفای اسلامی در ایجاد شکاف و یا کاستن از تنش بین شیعه و سنی چه بوده است؟
۲- امیرنشینهای وقت و عناصر محلی چه تاثیری بر کیفیت روابط شیعه و سنی در بغداد داشته

اند؟

۳- تاثیر اختلافات شیعیان و سنیان در کانون جهان اسلام در ادوار بعدی چه بوده است؟

۴-۱ فرضیات تحقیق

در پاسخ به سئوالات فوق فرضیاتی از سوی نگارنده مطرح شد که باید در تحقیق به آنها اعتبار بخشیده می شد:

۱- به نظر می رسد حس رقابت و برتری جویی و بازمانده های فرهنگ جاهلی که در چالش پایدار دو تیره قریش یعنی بنی هاشم و بنی امیه ، نمود می یابد ، در اختلاف بین شیعه و سنی اثر گذاشته و به ویژه در قرون چهارم و پنجم هجری ، متاثر از عوامل متعدد محیطی ، به منازعه و درگیری طرفین منتهی شد.

و فرضیات جانبی در این رابطه عبارت بودند از :

۱- سنت نادرست خلفای اموی در تشدید تنش بین شیعه و سنی، به میراث به خلیفگان بنی عباس رسید و آنها ، علیرغم ادعای ظاهری حمایت از آل رسول، در پراکندگی و تشتت شیعه و سنی به مانند امویان عمل کردند .

۲- با وجود سلطه سیاسی آل بویه شیعه مذهب بر بغداد، که تا حدی اختلافات را کاهش داد، اما وجود دول سنی عراق و سرانجام ظهور سلاجقه ، دودستگی بین شیعه و سنی را تشدید کرد و مانع همگرایی شد.

۳- برخوردهای گاه خونین و ناروای شیعیان و سنیان بغداد با یکدیگر ، هر گونه فرصت برای همسوئی این دو جماعت مذهبی را از دست داد و با گرایش شیعه به تقیه و تعصب ورزی سنیان ، امکان توافق منتفی گردید.

۵-۱ پیشینه پژوهش

چنین به نظر می رسد همان طور که اختلافات فرقه ای ، کلامی ، فلسفی و... بین شیعه و سنی ادامه دار بوده است، تحقیق در باره رابطه شیعه و سنی در طول تاریخ هم مدنظر محققانی از دو طرف قرار گرفته است. به عنوان مثال ، مقریزی در باب تخاصم بین بنی امیه و بنی هاشم مطالبی نگاشته که مبین تنش بین شیعه و سنی هم می تواند تلقی گردد. محققین معاصر هم در باره وضعیت شیعیان یا اهل سنت در ادوار گوناگون و روابطشان با دیگر جماعات مطالب پراکنده ای نگاشته اند که در نوع خود قابل اعتناء است.

با این حال ، بررسی های به عمل آمده توسط نگارنده نشان می دهد تحقیقی جامع و علمی در باره کیفیت مناسبات شیعه و سنی در بغداد سده های ۴ و ۵ در دسترس نیست. به علاوه ، متأسفانه در غالب مطالعات و تحقیقات انجام شده ، محققان و علمای هر دو نحله ، بنا به تعصبات فرقه ای خود ، بر مُحَقِّق نشان دادن فرقه خود همت گماشته اند و لذا بیشتر نگاشته های این چینی، به دلیل آلوده شدن به عصبیت ، فاقد ارزش علمی می باشند . حتی در منابعی تاریخ چون : الکامل ابن اثیر، تاریخ طبری ، تاریخ خلفاء ، المنتظم و... ، نگرش اهل تسنن ملاحظه می شود ؛ هم چنان که در آثار محققان شیعی مثل: ارشاد شیخ مفید ، فرق الشیعه نوبختی و تاریخ تشیع و... دیدگاه شیعیان امامیه به چشم می آید.

۶-۱ روش تحقیق

شیوه تحقیق در این پژوهش ، منطبق بر روال معمول در حوزه علوم انسانی و خصوصاً تاریخ از الگوی متداول و رایج یعنی تحقیقات اسنادی یا نظری می باشد . هدف نگارنده یادداشت برداری از منابع و مآخذ معتبر ، استفاده از نرم افزارها و لوح های فشرده حاوی کتب و مباحث تاریخی و کلیه ابزار تحقیق تاریخی و سپس گزینش بهترین و معتبرترین نمونه های داده های موجود و سنجش و پالایش این اطلاعات بوده است .

تلاش نگارنده بر این امر استوار بود که از میان منابع و مآخذ فراوان و گسترده، بهترین ها را برگزیند. هر چند گهگاه ناگزیر بود تا برای مقایسه و یا اِکمال بحث ، از سایر تالیفات مورخان و محققان بهره گیرد. فلذا ، اگر کاستی در این زمینه مشاهده می شود تا حدی به خاطر ضرورت های موضوع بوده است و امید صاحب این قلم به نگاه پوزش پذیر صاحبان خرد و اندیشه می باشد.

۷-۱ موانع تحقیق

در گذشته نه چندان دور ، دسترسی به پاره ای منابع چندان آسان نبود ، ولی خوشبختانه در حال حاضر ، محققین از طریق نرم افزارهای حاوی متون کلاسیک و نیز سامانه های الکترونیکی جهانی و... مشکل چندان برای دست یابی به منابع ندارند. با این وجود ، یکی از موانع تحقیق این است که بسیاری از منابع دست اول در تاریخ اسلام، به زبان عربی نوشته و منتشر شده اند و برگردان این متون و استفاده از مطالب آنها ، مستلزم فرصت و دانش بیشتری از سوی محقق می باشد. همچنین قابل توجه است که بعضی از مباحث تاریخی ، همیشه چالش زا و بحث برانگیز بوده اند و نمایاندن حقیقت و جدا کردن سره از ناسره در آنها کاری سخت و طاقت فرسا است. با عنایت

به این که آثار هر دو فرقه شیعه و سنی ، مملو از جانبداری و تعصبات مذهبی و سیاسی می باشد، لذا یکی از موانع تحقیق ، نگرش بعضاً طرفدارانه برخی منابع و مآخذ می باشد .
فلذا با توجه به موارد یاد شده ، گاه کاستی هائی در پژوهش پیش رو ، ملاحظه می گردد که از دید داوران معزز و نقادان محترم پنهان نخواهد بود .

۸-۱ پیکره بندی پژوهش

تحقیق حاضر بر پایه راهنمایی استادان و با توجه به مباحث اصلی موضوع و فرضیات مطروحه ، در چهار فصل تهیه و تنظیم شده است:
در فصل نخست « کلیات تحقیق» قرار دارد که شامل مواردی نظیر: بیان مسئله، اهداف تحقیق، پیشینه تحقیق، روش کار ، موانع و مشکلات پژوهش، پیکره بندی پژوهش و نقد و بررسی می باشد.

فصل دوم تحت عنوان « تاریخ اسلام در سده های ۴ و ۵ ق » به بررسی اوضاع زمانه و البته اشاراتی مختصر و مفید به ادوار تاریخی پیش از سده های ۴ و ۵ ه . ق می پردازد. در این بخش تاریخچه خلافت اموی و عباسی و چگونگی ورود حکومت های محلی مستقل به عرصه سیاست آن روز به بحث گذاشته شده است.

فصل سوم « تشیع و تسنن و فرق آن » نام دارد و در آن ، مباحثی نظیر: شیعه و ریشه های فکری و سیاسی آن، انواع فرق منشعب از تشیع و نیز تاریخچه مختصری از مذهب سنت و فروع آن ارائه شده است. اشاره به فرقه ها از آن رو بوده است که اشتباهات رایج در باره تقابل زیرمجموعه های تشیع و تسنن رفع گردد.

موضوع فصل چهارم « مناسبات تشیع و تسنن در بغداد » است که در آن تلاش شده تا ضمن بررسی تاریخ پیدایش و رشد شهر بغداد به عنوان کانون منازعات شیعه و سنی ، چگونگی اختلافات دو فرقه و عوامل موثر بر ایجاد این تنش و حتی تعاملات اندک ایجاد شده بین شیعیان و سنیان بغدادی مورد تامل و مذاقه قرار گیرد.
در انتها نیز نتیجه گیری و فهرست منابع و مآخذ ارائه شده است.

۹-۱ معرفی و نقد منابع

گرچه در نگاه نخست ، منابع تاریخی این دوره ، متنوع و متعدد به نظر می آیند ، اما حقیقت امر آن است که بسیاری از تالیفات در باره این مقطع زمانی از تاریخ اسلام ، خودشان در قرون چهارم

به بعد نوشته شده اند و این یعنی هم یک مزیت، بدین صورت که نگاشته های مورخان از نزدیکی به حوادث و تازگی برخوردارند و هم یک نقصان، بدین مفهوم که تاثیر تنشهای موجود در آثار مورخان این عصر بیش از سایر آثار ادوار دیگر، هویدا است.

به علاوه، آثار مرتبط با موضوع تحقیق حاضر، گاه با جهت گیری های دوگانه ائی مقارن هستند که باعث می گردند تا بررسی و دسته بندی آنها به سهولت امکان پذیر نباشد. چرا که برخی متون جنبه مذهبی و اعتقادی داشته و برخی دیگر از جنبه وقایع نگاری برخوردارند. با این حال، منابع مورد استفاده پژوهش فوق را می توان به چند دسته تقسیم کرد. اما مهمترین دسته بندی، تقسیم آثار به دو دسته تاریخی و غیر تاریخی هستند که در دو بخش منابع و مأخذ قابل ذکر می باشند.

الف- بخشی از منابع دسته اول یا تالیفات تاریخ اسلام، کتاب های مورخان می باشند که در آنها بیشتر به حوادث سیاسی و بعضاً اجتماعی پرداخته شده است و در عین حال، از ارزش بالایی برخوردارند. مانند: تاریخهای عمومی نظیر: تاریخ الرسل و الملوك از محمد بن جریر طبری، مروج الذهب مسعودی، اخبار الطوال دینوری، الامامه و السیاسه ابن قتیبه، المنتظم ابن جوزی، تجارب الامم ابن مسکویه، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی و... و یا تاریخهای محلی مانند: تاریخ بغداد خطیب بغدادی، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر و ..

ب- از میان انبوه منابع متعدد غیرتاریخی و سرشناس این دوران می توان به:

۱- منابع جغرافیائی نظیر: احسن التقاسیم مقدسی، معجم البلدان یاقوت حموی، فتوح البلدان بلاذری و..

۲- منابع رجالی چون: مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی، ریحانه الادب مدرس تبریز، رجال نجاشی و..

۳- تالیفات فقهی مثل: بحار الانوار مجلسی، الکافی کلینی، الارشاد شیخ مفید، الامالی شیخ صدوق و..

۴- مراجع مهم در باره فرقه ها مانند: ملل و نحل شهرستانی، فرق الشیعه نوبختی، المقالات و الفرق اشعری و .. اشاره داشت. هر یک از این آثار ارزشمند و مانا، می باید در خدمت تدوین یک اثر قابل در حوزه تاریخ اسلام به کار گرفته شوند. هر چند که محقق تیزهوش در نظر خواهد داشت که این منابع که غالباً تاریخ دوره نخستین اسلام را به خوبی و تفضیل پوشش داده اند، در بسیاری از مباحث با یکدیگر متشابه اند و مطالبی گزارش گونه و یکسان دارند. هم چنان که در بررسی آنها باید گرایش دینی و اعتبار نویسندگان آنها نیز لحاظ گردد..

اما مآخذ مطالعاتی هم در این تحقیق کم نیستند. آنها نیز بر دو دسته کلی تاریخی و غیر تاریخی تقسیم پذیر هستند. هر چند تالیفات غیر تاریخی نیز از اشارات واقعه نگارانه خالی نیستند.

نگاشته های پژوهشگرانه محققان سالهای اخیر از سوی نویسندگان اسلام پژوه ایرانی و خارجی مانند: رسول جعفریان ، حاتم قادری، محمدحسین طباطبائی، احمدرضا خضری ، علی محمد موسوی و دهها نفر دیگر که تالیفاتشان در حوزه های چون: تاریخ اسلام ، فرقه شناسی، اصول عقاید، فرهنگ اسلامی و... دربردارنده هم اطلاعات تاریخی و هم داده های فرهنگی و غیرتاریخی است که با تحلیل و بررسی محققانه صورت پذیرفته است. هم چنان که آثار اسلام شناسانی نظیر: جوئل کرامر، یولیوس ولهاوزن، سامر فیصل، فیلیپ حیثی، هنری لائوست ، آن لمبتون و.. نیز که با انگیزه ائی تاریخنگاری و تحلیل تحولات فرهنگی و اجتماعی تاریخ نخستین اسلامی به رشته تحریر درآمده است، از اهمیت خاص و قابل اعتنائی برخوردار است.

با این همه ، این دست کتاب ها که برخی از آنها به چاپ های متعدد و اشتهار بسیار در محافل آکادمیک نیز رسیده اند ، نمی توانند از تیغ نقادی به دور بمانند و باید مورد تامل بیشتری قرار گیرند. چرا که گاه اشتباهاتی در نگرش محققان غربی ملاحظه می گردد که نه تنها از بینش غیر مذهبی و دنیا گرایانه آنها نشأت گرفته است، بلکه به دلیل ناتوانی آنها در قرائت دقیق و عالمانه از متن و اساس فرقه های اسلام می باشد.

فصل دوم

تاریخ اسلام در سده های ۴ و ۵ ق

۱-۲ امویان از فراز تا فرود

بنی امیه از نسل امیه که به امیه بن عبد شمس منصوب هستند ، نسبشان با هاشم به جد سوم پیامبر یعنی عبد مناف به هم می رسد^۱ با افزایش نسل امیه ، آنان هویتی مستقل از بنی عبد شمس و به بنی امیه شهرت یافته و به دو گروه عباس و اعیاص شناخته شدند^۲. معاویه بن ابی سفیان و جانشینانش (معاویه دوم و یزید) که از سال ۴۱ تا ۶۴ ه.ق بر جهان اسلام حکومت کردند از گروه عباس و به آل ابی سفیان مشهورند. مروان ابن حکم و فرزندان او همان آل مروان معروف که از سال ۶۴ تا ۱۳۲ هجری حکومت کردند از اعیاص بودند^۳.

آنان به سبب سکونت در اطراف کعبه و مرکز مکه از قریش بطائح (قریشیان مرکز) به شمار می آمدند^۴ در عصر جاهلی از موقعیت اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی بر خوردار بوده و از توانگران قریش و تجارت پیشه بودند . جد اعلای آنان عبد شمس ، عامل پیمان تجاری قریش با حبشه یا عراق بود . ابوسفیان پسر حرب نیز در آستانه ظهور اسلام به عنوان رئیس کاروانهای تجاری قریش با شام داد و ستد داشت . از میان مناصب به ارث رسیده از قصی بن کلاب (جد چهارم پیامبر) حرب منصب قیادت قریش را به عهده داشت چنان که قبل از او در اختیار جدش عبد شمس بود . افزون بر این حرب و ابو سفیان از داوران قریش شمرده شده اند.

بنی امیه در عصر جاهلی ، گاه زیر لوای بنی عبد مناف که از زیر مجموعه های آنان بودند با برخی تیره های قریش رقابت و نزاع داشتند . شرکت در انعقاد «حلف المطیبین» بر ضد بنی عبدالدار که برای تصدی مناصب کعبه روی داده از آن جمله است^۵.

۱-۱-۲ در گذار از جاهلیت تا اسلام

برخی منابع به گونه ای بر جسته از رقابت این دوتیره در دوره جاهلی غنی گفته اند ، چنان که امیه (جد امویان) به هاشم بن عبد مناف جد اعلای پیامبر که به سبب کارهای شایسته ، منزلت اجتماعی فوق العاده ای یافته بود ، حسادت می ورزیدند . سر انجام این رقابت و دشمنی با دآوری

^۱ ابن قتیبه دینوری ، المعارف ، صص ۷۴-۷۲

^۲ ابن اثیر ، الکامل فی التاریخ ، ص ۵۹۴

^۳ ابن قتیبه ، پیشین ، صص ۷۴-۷۳

^۴ مسعودی ، مروج الذهب و معادن الجواهر ، ج ۲ ، ص ۳۲

^۵ یعقوبی ، تاریخ یعقوبی ، ج ۱ ، ص ۲۴۸

کاهنی از قبیله خزاعه به نفع هاشم پایان یافت و امیه به مدت ۱۰ سال طبق شرط از پیش تعیین شده به شام تبعید شد^۱.

نفوذ و سلطه قریش بر مکه و خانه کعبه از زمان قصی بن کلاب نیای بزرگ رسول خدا آغاز می شود. گفته می شود قصی کودک بود که پدرش در گذشت و مادرش با مردی از بنی قضاعه ازدواج کرد و به مرزهای شام رفت. قصی در آنجا در نزد شوهر مادرش بزرگ شد سپس به مکه آمد و دختر امیر خزاعی مکه را به زنی گرفت. پس از مرگ پدر زنش قبیله خود را که قریشی ها بودند گرد آورد و از قضاعیان که خویشان شوهر مادرش به شمار می رفتند نیز یاری خواست و خزاعیان که تا آنگاه بر مکه فرمان می راندند شکست داده و به امارت مکه رسید و تولیت خانه کعبه را به دست گرفت.

قصی قبیله قریش را در مکه و پیرامون کعبه جای داد و برای آنان انجمنی بنام دارالندوه ساخت و منصب کلید داری و سقایت و رفادت (آب دادن و پذیرایی از زائران) را به عهده گرفت. اختلافاتی کم و بیش پس از مرگش بر سر این مناصب بین فرزندان او روی داد تا این که نوبت به هاشم بن عبد مناف رسید. هاشم با وجود آن که از برادرش عبد شمس خردسال تر بود ولی چون مردی توانگر و بخشنده بود و نیز برادرش عبد شمس غالباً به سفر می رفت مناصب رفادت و سقایت و کلید داری خانه کعبه به وی رسید. برادرش عبد شمس به گمنامی در گذشت، اما پسر او امیه بن عبد شمس از عموی خود هاشم اطاعت ننمود و دعوی ریاست بر قریش را کرد. چون امیه را برخی از مخالفان هاشم یاری می کردند، اختلافات در میان آنان بالا گرفت و کار به داوری کاهنی از خزاعه انجامید. کاهن به داوری او پرداخت و امیه را محکوم ساخته و حق را به جانب هاشم داد در نتیجه این داوری امیه ناگزیر شد که مدت ۱۰ سال از مکه تبعید شود و به شام رود این نخستین دشمنی بین خاندان عبد مناف بود که حاصل آن منتهی به کینه و اختلاف بنی هاشم و بنی عبد شمس گردید^۲. این دشمنی تا زمان بعثت رسول خدا ادامه یافت و چون آن حضرت را به پیامبری مبعوث شد ابوسفیان بن حرب بن امیه که در آن زمان از بزرگان قریش به شمار می رفت و پس از مرگ ابوطالب ریاست را بر عهده داشت بنا به سابقه دشمنی اجدادی تا آن جا که توانست با رسول خدا که از بنی هاشم بود خصومت و دشمنی ورزید. مشابه چنین گزارشی در باره حرب فرزند امیه نیز وجود دارد. حرب به مقام و موقعیت عبد المطلب رشک می برد و سر انجام همانند پدرش در داوری محکوم می شود.

^۱ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۶۲؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۵۳

^۲ طبری، همان ماخذ، ج ۳، صص ۱۰۸۸-۱۰۹۹؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۲، صص ۱۶-۲۲

ظهور پیامبری از بنی هاشم بیش از همه ، رشک دو تیره تاثیرگذار قریش یعنی بنی امیه و بنی مخزوم را بر انگیخت . زیرا آنان نیز بعثت پیامبر را سبب برتری موقعیت بنی هاشم بر قبایل خود ارزیابی می کردند و اسلام را از دریچه تنگ رقابت های قبیله ای و در جهت کسب امتیازهای کلان مادی و قدرت سیاسی می نگریستند .

بنی امیه از هر راهی برای مهار یا انحراف دعوت اسلامی استفاده کردند . مذاکره با ابو طالب عمومی پیامبر برای باز داشتن رسول الله از دعوت به اسلام ، همراهی با قریش در محاصره بنی هاشم و مسلمانان در شعب ابیطالب ، ممانعت از طوایف مسلمانان و توطئه قتل پیامبر در دارالندره از جمله این دشمنی ها می باشد^۱ . ابوسفیان، مروان و پدرش حکم بن ابی العاص ، ام جمیل خواهر ابوسفیان ، و همسر ابولهب و عقبه بن ابی معیط از سر سخت ترین دشمنان پیامبر بودند^۲ . البته به رغم این دشمنی ها تعداد انگشت شماری از امویان مسلمان شده و برای حفظ ایمان خود به حبشه هجرت کردند . خالد بن سعید بن عاص و برادرش عمر ، عثمان بن عفان و ام حبیبه دختر ابوسفیان از آن جمله هستند^۳ .

امویان در دوره ای که پیامبر در مدینه بود و تمام توطئه ها و اقدامات سیاسی و نظامی برضد آن حضرت بود میدان دار بودند . در غزوه بدر که در غیاب ابی سفیان رخ داد شمار قابل توجهی از بنی امیه و هم پیمانانشان حضور داشته و تعدادی از آنان کشته شدند . در غزوه احد یکی از امویان مدعی به شهادت رساندن حمزه سید الشهداء بود و معاویه بن مغیره بن ابی العاص اموی جسد حمزه را مثله کرد^۴ . ابوسفیان هم چنین طرح ترور پیامبر در سال چهارم هجرت را در دستور کار خود قرار داد که از آن طرفی نسبت^۵ . پیمان شکنی قریش پس از صلح حدیبیه (سال ششم) و تلاشهای بی ثمر ابو سفیان ، از جمله مسافرتش به مدینه جهت تجدید آن ، سبب فتح مکه در سال هشتم شد . قابل ذکر است که امویان با داشتن ضعف فراوان نمی توانستند پس از رحلت پیامبر کسب قدرت کنند و خود را در صحنه سیاسی وارد نمایند ولی ابوسفیان رئیس بنی امیه به تدریج راه را برای رسیدن امویان به قدرت فراهم کرد . چنان که بنی امیه در آغاز با جانشینی ابوبکر مخالفت کردند ،

^۱ بلاذری، انساب الاشراف ، ج ۱، ص ۸۰، طبری، همان ، ج ۲ ص ۲۵۳

^۲ طبری ، تاریخ الامم و الملوک ، ج ۲، صص ۱۰۴ و ۳۵۵ ، یعقوبی ، تاریخ یعقوبی ، ج ۲ ص ۷۸

^۳ ابن سعد ، الطبقات الکبری ، ج ۴، ص ۷۵ ؛ یعقوبی ، همان ، ج ۲ ص ۲۳

^۴ بلاذری ، فتوح البلدان ، ص ۱۰۷ ، مقریزی ، النزاع و تخاصم بین بنی امیه و بنی هاشم ، ص ۶۵

^۵ بلاذری ، انساب الاشراف ، ج ۵، ص ۱۲ ؛ ابن سعد ، الطبقات الکبری ج ۲، ص ۶۱۲

از این رو ابوسفیان از امیر مومنان ، امام علی خواست که قیام کند تا از هوا داری بنی امیه و قریش بر خور دار شود ولی امام علی که از نیت شوم او با خبر بوده به سخن وی توجهی نکرد^۱ .

البته دستگاه تازه تاسیس خلافت که خطر ابوسفیان را دریافته بودند ، با بخشیدن زکات نجران که توسط ابوسفیان جمع آوری شده بود . او را با خود همراه کردند . به کار گیری یزید بن ابی سفیان به عنوان فرمانده بخشی از سپاه مسلمانان در شامات و کاتب قرار دادن عثمان از چهره های شاخص اموی در خلافت ابوبکر را می توان از جمله امتیازهای کسب شده از سوی بنی امیه برای همکاری با دستگاه خلافت به شمار آورد .

موقعیت بنی امیه در دوران عمر نخست با امارت یزید بن ابوسفیان بر شام و پس از مرگ او با امارت برادرش معاویه در شام و فلسطین تثبیت شد^۲ . توجه خاص عمر به معاویه موجب شد تا وی بعدها تسلط خود بر مردم را ناشی از منزلتش نزد عمر و عثمان بداند. خلیفه دوم سیاست و روش همگونی نداشت او در عین سخت گیری با کار گزارانش ، اعمال خلاف برخی از آنان را نادیده می گرفت که معاویه یکی از آن کار گزاران متخلف بود . عمر نه تنها در مقابل معاویه ایستادگی نکرد بلکه با چشم پوشی از اعمال و کردار او ، روح بلند پردازی را در معاویه دمید و او را برای خلافت مهیا کرد . به گونه ای که در زمان خلافت امام علی معاویه خود را نماینده منصوب عمر و عثمان می دانست و حکومت شام را رها نمی کرد^۳ .

درباره انگیزه خلیفه در میدان دادن به معاویه را می توان نظراتی از جمله باج دهی و حق السکوت به امویان دانست تا از کار شکنی های آنها در امان باشد و یا این که به دلیل همسایگی با دولت روم ، لزوم داشتن شوکت و خدم ، او را ایجاب می کرد از باز خواست در مقابل کارهای خلاف وی اجتناب نماید و شاید هم عمر به افرادی قوی و کاردان علاقه مند بود هر چند که آنها از نظر تقوا پای بند موازینی اسلامی نباشند ، اما انگیزه هر چه بود خروجی آن زمینه ساز سلطه بنی امیه بود .

نتیجه آن که امویان که در دوره خلافت عمر مورد عنایت خلیفه قرار گرفته بودند ، برای ایجاد زمینه بیشتر قدرت یابی ، با علم کردن چهره هایی که سابقه در اسلام داشته و از نفوذ و شهرت زیادی نیز بر خوردار بودند ، به تکاپوی بیشتری پرداخته و هوا داران خود را برای تسلط کامل بر مردم آماده می کردند و حتی گفته شده که امویان با وجود عنایتی که عمر در حق آنها داشته ، چون

^۱ بلاذری ، انساب الاشراف ج ۲ ، ص ۲۷۱ ؛ طبری ، تاریخ طبری ، ج ۲ ، ص ۲۳۷ ؛ اصفهانی ، الاغانی ، ج ۶ ، ص ۳۵۵

^۲ ابن عامر ، تاریخ مدینه دمشق ، ج ۳۹ ، ص ۱۸۵

^۳ ابن اعثم ، الفتوح ، ج ۲ ص ۴۲۸